

جایگاه علی علی‌الله در فتوت‌نامه‌های قرون پنجم تا هشتم و گرایش شیعی در تحفة الاخوان

دکتر محمد مشهدی نوش‌آبادی

استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

چکیده

اهل فتوت از جمله گروههای اجتماعی و آیینی در گستره تاریخ اسلام و ایران اند که بر اصول اخلاقی و جوانمردی در روابط انسانی تأکید دارند. اصول و قوانین اخلاقی و آیین‌های اهل فتوت در فتوت‌نامه‌ها نوشته شده است. همچنین در این آثار تلاش شده است الگوها و اسوه‌های اخلاقی جوانمردان معرفی شود. مهم‌ترین شخصیت محوری که الگو و اسوه فتوت معرفی می‌شود، علی بن ابی طالب علی‌الله است. در این مقاله ضمن بررسی جایگاه امام در فتوت‌نامه، نشان می‌دهیم گرچه در فتوت‌نامه سلمی در سده پنجم به جایگاه امام در فتوت اشاره نشده، اما در فتوت‌نامه‌های سده ششم به بعد، جایگاه امام محوری و انکارناپذیر است. با این اوصاف، در فتوت‌نامه‌های دوره ایلخانی به‌ویژه تحفة الاخوان کاشانی، علاوه بر نقش محوری امام، عقاید شیعی که در فتوت‌نامه‌های دیگر موضوعی ندارد، به صراحة مطرح شده، زمینه ورود اینگونه اعتقادات در فتوت‌نامه‌های دوره‌های بعدی را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: فتوت، فتوت‌نامه‌ها، علی بن ابی طالب، تحفة الاخوان، عبدالرزاق کاشانی.

فتوات و فتوت‌نامه

با وجود پژوهش‌های بسیاری که درباره فتوت صورت گرفته است، هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ بسیاری درباره منشأ این آیین، نوع ارتباط آن با مرام‌های صوفیانه، ملامتی، قلندری و عیاری و همچنین هویت چندگانه آن وجود دارد؛ بنابراین پژوهش درباره این مکتب، دشوار و همیشه همراه با احتیاط است؛ زیرا فتوت آیینی است که در طی تاریخ و بر حسب مقتضای احوال، اشکال گوناگون یافته (زرین‌کوب، ۱۳۶۷، ص ۳۴۹)، از این مفهوم پرلایه حیات معنوی و اجتماعی ایران، هر لایه‌ای برداشته شود، پوسته و لایه‌ای دیگری آن را احاطه کرده است؛ از این‌رو هیچ کس نتوانسته است به طور کامل درباره فتوت پژوهش کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

فتوات آنچنان که در فتوت‌نامه‌ها متجلی شده است نیز صورت‌های چندگانه دارد؛ از فتوت صوفیانه و مبتنی بر توجه به خداوند و دقت بیش از حد در اخلاق رسول، صحابه و اولیاء دین که در «كتاب الفتوة» ابوعبدالرحمن سلمی به چشم می‌خورد (سلمی، ۱۳۷۲، ج ۲) تا فتوت بی‌پروای عیاری سده‌های چهارم تا ششم هجری در بغداد که در آن هتك بسیاری از معیارهای اجتماعی و اخلاقی و دینی، به گونه‌ای آشکار‌حضور دارند (شفیعی کدکنی، پیشین، ص ۱۵۷)؛ همچنان‌که فتوت تعدیل‌یافته و امتزاجی عهد ناصر، خلیفة بغداد در سده ششم که کتاب الفتوت ابن معمار معرف آن است، نوعی چرخش از فتوت ملامتی و صوفیانه سده سوم و چهارم نیشابور به جانب اشرافی‌گری و جلوه‌نمایی قلمداد می‌شود (عفیفی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۸-۴۹ / زرین‌کوب، ۱۳۶۷، ص ۳۴۹ / گولپینارلی، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۱۲).

در سده هشتم تا هشتم هجری هم فتوت در سایه تصوف به حیات خود ادامه می‌دهد که در آن گرایش‌های صوفیانه و عوامانه و آیینی اهل حرفه‌ها به چشم می‌خورد چنان‌که در سفرنامه ابن بطوطه از دسته‌های صنفی فتوت در ایران و آسیای صغیر یاد شده است (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۶). گرچه پیش از آن برای دو

دستهٔ پیشه‌وران و سپاهیان نوعی جوانمردی ویژه تعریف شده بود، اما در آن دوران هنوز فتیان در قالب‌ها و گروه‌های صنفی از هم تفکیک نشده بودند (ابن اسکندر، ۱۳۶۴، ص ۲۴۲).

در فتوت‌نامه‌هایی که در این دوران تأثیر شده است و مؤلفان آن صوفیه هستند، نوعی فتوت آیینی به چشم می‌خورد که سعی فراوان دارد آن را با سنت و سیره پیامبر و صحابه و بهویژه امام علی^ع که از دوره‌های قبل نیز اصل و منشأ فتوت معرفی شده بود (ابن معمار، ۱۹۵۷، صص ۱۳۵-۲۹۷ و ۲۹۸-۱۳۶)، تطبیق دهد. از جمله آنها می‌توان به دو فتوت‌نامه از شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، فتوت‌نامه منظوم مولانا ناصری، فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب و «تحفه‌الاخوان فی خصایص الفتیان» عبدالرزاق کاشانی، رساله فتوتیه میرسیدعلی همدانی و همچنین فتوت‌نامه‌ای معروف به فتوت‌نامه عبدالعظيم خان قریب اشاره کرد. در واقع می‌توان گفت این فتوت‌نامه‌ها به منزله دستورالعمل و سرمشق اخلاقی برای گروه‌های فتوت – که در این دوران ظاهراً رنگ صنفی داشته‌اند – تأثیر شده بودند و نشان‌دهنده وابستگی این گروه‌ها به تصوف بودند.

شاید آخرین تجلی اجتماعی فتوت که بسیار تحت تأثیر عقاید شیعی و گاهی غالی است، از سده نهم پدید آمده باشد که فتوت‌نامه سلطانی حسین واعظ کاشفی بیانگر اینگونه فتوت است؛ فتوتی که بهویژه با اصناف خاصی که کارکرد شغلی آنها آیینی و نمایشی است، در پیوند است (کاشانی، ۱۳۵۰، ص ۲۷۳-۳۹۴).

اینگونه فتوت حتی تا اوایل قرن حاضر در عنایین نام‌های مختلف که آخرین آن درویشان عجم وابسته به سلسله خاکساری است، حیات داشته، طی دوران صفوی و قاجار نقش مهمی در حیات دینی و اجتماعی مردم ایران و آسیای صغیر ایفا کرده است که حاصل ادبی آن دهها فتوت‌نامه است که جملگی از نوع فتوت مطرح شده در فتوت‌نامه سلطانی تأثیر پذیرفته‌اند.

امام علی^{علیه السلام} و فتوت

در تاریخ و ادبیات تصوف، امام علی بن ابی طالب^{علیه السلام} جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که تقریباً تمام سلاسل صوفیه نسبت خرقه خود را به امام^{علیه السلام} می‌رسانند. فتوت نیز که برخاسته از فرهنگ اسلامی و ایرانی است، نسبت چشمگیری با تصوف دارد و شاید بتوان آن را نوعی تصوف عامیانه و مردمی خواند که در غالب گروههای خاص اجتماعی به‌ویژه گروههای صنفی در شهرهای ایران، عراق و آسیای صغیر شکل گرفته‌اند.

با نگاهی به فتوت‌نامه‌های تألیف شده از سده پنجم به بعد، در می‌یابیم امام علی^{علیه السلام} در بین جوانمردان جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ چنان‌که رفته‌رفته منزلت امام^{علیه السلام} نزد جوانمردان افزایش چشمگیر یافته، ایشان مقتا و بنیانگذار و محور این جریان معنوی و اجتماعی معرفی شده‌اند. در این مقاله برآنیم جایگاه علی بن ابی طالب^{علیه السلام} را به عنوان رهبر و مقتدای اهل فتوت را بررسی کرده، ضمن آن، گرایش‌های شیعی را که رفته‌رفته در فتوت‌نامه‌ها فزوونی می‌گیرد، نشان دهیم.

کتاب الفتوت سلمی

سرآغاز اینگونه گرایش‌ها، بیشتر در فتوت‌نامه ابن معمار و فتوت‌نامه‌های پس از آن به چشم می‌خورد. این در حالی است که در «کتاب الفتوت» صوفیانه ابوعبدالرحمن سلمی، نه از امام علی^{علیه السلام} با عنوان قطب فتیان یاد شده و نه در آن گرایش‌های شیعی وجود دارد. گویا بر ساختن شجره‌نامه برای فتوت و تأسی به امام علی^{علیه السلام} به عنوان سید و قطب فتوت، به دنبال ابتدا فتوت عیاری و با انگیزه معرفی الگویی اخلاقی و تعیین دستورالعمل برای جوانمردان بر مبنای فضایل اخلاقی و سنت دینی بوده است.

آنچنان‌که منابع تاریخی نشان می‌دهند، جوانمردان و عیاران، بانی فتنه‌انگیزی و آشوب و جنایت فراوانی در سده‌های سوم تا ششم بوده‌اند.

بنابراین در کتاب الفتوت سلمی که نمایندهٔ فتوت صوفیانه است، به موضوع قطبیت و مرجعیت امام در فتوت اشاره نشده است، بلکه وی مانند دیگر علمای اهل سنت عصر خود، در جایی منزلت امام علی^ع را بدون بر جستگی خاص، در کنار دیگر خلفای راشدین آورده است. سلمی در «كتاب الملامته» وجوده بر جسته‌ای که باید یک جوانمرد دارا باشد را به خلفای چهارگانه و برخی از پیامبران منسوب داشته است؛ از جمله صفت علم که به امام علی^ع منسوب کرده است. وی در این‌باره می‌نویسد: یکی از صوفیه در پاسخ به سؤالی درباره اینکه چه کسی شایسته مقام فتوت است، گفت: «آن کس که دارای مقام اعتذار آدم و صلاح نوح و وفای ابراهیم، صدق اسماعیل و اخلاص موسی و صبر ایوب و بکاء داود، سخای محمد^{صلی الله علیه و آله و آله و آله} و رافت ابوبکر و حمیت عمر و حیاء عثمان و علم علی باشد، [اما] با این همه خویشتن را و آنچه متعلق به اوست، خوار و حقیر بداند» (سلمی، ۱۳۷۲، ج. ۲، ص. ۴۰۸).

منشور خلیفه و تلاشی دیگر برای اسوه‌سازی فتوت

در کنار فتوت صوفیانه، در فتوت عیاری به منظور ساختن سابقهٔ پیوسته برای آیین فتوت، تلاش‌هایی صورت گرفته است؛ چنان‌که در نیمة قرن پنجم هجری، ابن الرسولی ملقب به «کاتب الفتیان»، فتوت را میراث پیامبران و امامان می‌شمارد و سابقه آن را تا نوح و آدم به عقب می‌برد تا با نگاه اسطوره‌ای خویش، این جریان را جریانی اصیل قلمداد کند. وی فتوت را میراث پیامبران و امامان شمرده، بر آن است این میراث از آدم به شیث نبی رسید؛ سپس به نوح انتقال یافته، از نوح به سام رسید تا اینکه در حضرت ابراهیم خلیل ظاهر شد؛ چنان‌که در قرآن هم به مقام وی با عنوان جوانمرد تصریح شده است؛ سپس این میراث پس از آنکه مدتی پنهان ماند،

در حضرت موسی علیه السلام آشکار شد و ایشان آن را به هارون تفویض فرمود. پس از ایشان فتوت در حضرت عیسی علیه السلام ظاهر گشت و سرانجام به حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام رسید (مصطفی جواد، ۱۹۵۷م، ص ۳۹، مقدمه).

اما نیم قرن بعد، به دنبال تلاش خلیفه ناصر برای جلوگیری از هرج و مرج ناشی از صفات آرایی و خونریزی عیاران، منشوری صادر شد که اهل فتوت و عیاران را ملزم به رعایت آن می‌ساخت. این منشور جدید که سران احزاب جوانمرد آن را امضا کرده، متعهد به رعایت اصول آن شدند، در کتاب *المناقب العباسیه* تألیف علی بن الفرج بصری آمده است. جالب اینکه قسمت اعظم این منشور که آن را استاد مصطفی جواد در ضمیمه کتاب *الفتوة ابن معمار* آورده است، مربوط به علی بن ابی طالب رض است و در آن سعی شده است ضمن معرفی امام با عنوان مبدأ فتوت و پاسدار شریعت، اهل فتوت را به رعایت اصول شرعی و جلوگیری از قتل رعایت و تبعیت از خلیفه الناصر ملزم کند.

در این منشور نخست گفته شده است: آنچه در آن تردید نیست، این است که اصل فتوت و منبع و مطلع آن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است؛ چنان که تمام محسن و آداب فتوت را از وی نقل می‌کنند و تمام بیوت و قبایل فتیان، خود را بدو منسوب می‌دارند، و برادری و جوانمردی را تقلید از برادری و برادرخواندگی آن حضرت با رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام می‌دانند و آن حضرت با وجود کمال جوانمردی و داشتن برتری‌های بسیار، حدود شرع را در هر حال و هر مرتبه رعایت می‌کرد؛ مجازات مناسب در حق جنایتکاران را از هر طبقه که بودند، اجرا می‌فرمود و در این کار فرمانبرداری از خدای تعالی، اقامه حدود وی و رعایت نظام شرع را در نظر داشت. ایشان این گونه کارها را به طور علنی و در برابر روی یاران پاک رسول به انجام می‌رسانید. هرگز شنیده نشده است کسی آن حضرت را درباره نحوه برپاداشتن حدود و اجرای مجازات‌های شرعی سرزنش کرده یا بر او طعنه زده باشد، و اینکه

اخلاق شریف و سجایای کریم او شایسته آن است که مورد تقلید و پیروی قرار گیرد (همان، ص ۲۹۷-۲۹۸ / قس با: محبوب، ۱۳۵۰، ص پنجاه و شش، مقدمه).

متن این منشور، نشان‌دهنده گرایش شیعی خلیفه الناصر است؛ امری که بازتاب آن در کتاب *الفتوة ابن معمار* هم دیده می‌شود. حتی در کتاب *الحوادث الجامعه* نیز آمده است که خلیفه «المستنصر» که حدود یک سال پس از ناصر به خلافت رسید، به مشاوره و توصیه یکی از سران فتوت، که سراویل فتوت را در برابر مرقد مطهر امام علی^{علیه السلام} پیوشت تا به نوعی این کسوت را از حضرت دریافت دارد و با سندی عالی، به پیری این طایفه برسد، پس از موافقت نقیب فتوت «جلال الدین بن عبدالله بن مختار»، خلیفه به سوی مشهد علی بن ابی طالب در نجف روی نهاد و در مقابل ضریح آن حضرت، سراویل فتوت پوشید (محبوب، ۱۳۵۰، ص هفتاد و یک).

امام علی در کتاب *الفتوة ابن معمار*

در کتاب *الفتوة ابن معمار* که زیر تأثیر فتوت خلیفه ناصر و اوضاع و احوال آن دوران نوشته شده است، امام علی^{علیه السلام} جایگاه اساسی دارد. در واقع این کتاب اولین و قدیمی‌ترین سندی است که تلاش می‌کند همانند سلسله‌های صوفیه برای فتوت نیز سلسله‌ای تنظیم کند که از امام علی نشئت می‌گیرد؛ امری که به عنوان الگویی، مورد استفاده دیگر نویسنده‌گان فتوت نامه‌های پس از وی قرار گرفته است؛ چنان‌که در فتوت نامه «نقاش» که اوایل سده هفتم تألیف شده نیز شجره‌نامه‌ای شبیه کتاب این معمار به چشم می‌خورد (ر.ک: گولپیاناری، ۱۳۷۹، ص ۴۳، ۹ و ۱۳۸).

ابن معمار در ابتدا، حدیثی از پیامبر نقل می‌کند که خطاب به امام علی^{علیه السلام} گفت: «انت یا علی فتی و ابن فتی و اخو فتی»؛ سپس به امام علی^{علیه السلام} می‌فرماید: «ابوک ابراهیم اخوک انا و فتوتی من فتوت ابیک و فتوتک منی». سپس به واقعه رشادت امام

علی ع در جنگ اُحد و ندای هاتف غیبی درباره امام اشاره می‌کند که ندا داد: «لا فتی الا علی» (ابن معمار، ۱۹۵۷م، ص ۱۳۵-۱۳۶).

وی در سلسله سند فتوت، حضرت ابراهیم ع را مبدأ فتوت می‌خواند و وی را که بت‌ها را شکست، «ابوالقتیان» لقب می‌دهد. در ادامه قائل است: فتوت ابراهیم به انبیا و سرانجام به حضرت محمد ص رسید و از او به علی بن ابی طالب و از او به سلمان فارسی رسید (همان، ص ۱۴۰-۱۴۳).

ابن معمار در ذکر سلسله فتوت خلیفه الناصر نیز وی را از طریق عبدالجبار بغدادی – که از دست وی سراویل فتوت پوشید – به سلمان فارسی و امام علی بن ابی طالب ع و پیامبر ص می‌رساند (همان، ص ۱۴۷).

سه شخصیت محوری پیامبر ص، امام علی ع و سلمان فارسی که در کتاب ابن معمار با عنوان سرآمدان فتوت در اسلام یاد شده‌اند، در فتوت‌نامه‌های بعدی نیز نقش محوری دارند. این سه شخصیت در فتوت‌نامه‌هایی مانند فتوت‌نامه‌های فارسی و عربی عبدالرزاق کاشانی و فتوت‌نامه شمس الدین آملی و برخی فتوت‌نامه‌های دوره صفوی، اسطوره‌ها و در آیین‌هایی از جمله آیین نوشیدن آب و نمک یا شربت ورود به جرگه فتیان، ظهور و بروزی آشکار دارد و رنگ شیعی آن را تقویت می‌کند.

بخشی از حکایت‌هایی که ابن معمار در اثر خود آورده است، مربوط به ایثار و فداکاری و شجاعت امام علی است (همان، صص ۲۷۵ و ۲۸۴-۲۸۶). این حکایات کم‌وبيش در فتوت‌نامه‌های بعد از آن نیز طرح شده است. بدین ترتیب حجم زیادی از محتوای این کتاب، مربوط به امام علی ع است و گویا از همان آغاز فتوت عیاری در بغداد، امام علی ع عنوان مقتدا و پیشوای معنوی فتیان مطرح بوده و داستان‌های مربوط به جوانمردی وی سینه‌به‌سینه نقل مجالس آنان بوده است.

علی^ع در فتوت نامه سهروردی

شاید بتوان نقطه تحول فتوت نامه ها، درباره جایگاه معنوی امام علی^ع را در فتوت نامه شیخ شهاب الدین عمر سهروردی (م. ۶۳۲ق) جستجو کرد؛ در واقع در این فتوت نامه که در حدود زمان تألیف کتاب الفتوة ابن معمار و یا کمی پس از آن نوشته شد، برای اولین بار باورهای صوفیانه درباره امام علی^ع — که در ارتباط با فتوت است — مطرح می شود؛ امری که در فتوت نامه های قبلی سابقه ندارد و شاید این طلیعه ورود امام علی^ع به فتوت نامه های صوفیانه است که از این دوران با فتوت عیاری گره خورده است. در این فتوت نامه که در آن گرایش های شدید شیعی هم به چشم می خورد، ابتدا بحثی نسبتاً طولانی درباره شخصیت شیث به عنوان کسی که فتوت از آدم به او به ارت رسید، مطرح می شود. در این باره می توان گفت؛ چنین طرحی از شیث بی مناسبت با تصویر عرفانی وی نزد صوفیه نیست (سهروردی، ۱۳۷۰، «الف»، ص ۹۱-۹۳). بر اساس این طرح، فتوت از شیث به ابراهیم می رسد و از او به اسماعیل؛ همچنان که فتوت از اسماعیل صلب به صلب به عنوان میراث به سید کائنات و خلاصه موجودات، محمد مصطفی^ع رسید که از نسل اسماعیل بود. در این دوره، کمال فتوت — که پوشیده بود — به اظهار رسید.

وی درباره فتوت امام علی^ع می نویسد: «فتوت که در خانه نبوت و یا ولایت سر بر می آورد، پس از سید — علیه السلام — به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب — رضی الله عنه — رسید که از نسل سید بود — علیه السلام — و ابن عمه خواجه بود. سید در حق امیر المؤمنین علی چنین فرمود: "یا علی انت منی بمنزله هارون من موسی"» (همان، ص ۹۹-۱۰۰).

سهروردی می افزاید؛ اگر محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم} خاتم پیامبران نبود، نبوت بعد از وی به علی می رسید؛ اما اگر علی نبی نبود، ولی بود؛ «همچنان که از عهد نبوت تا نفح صور هیچ کس به فتوت علی نبود و نباشد». وی سپس ضمن نقل داستانی، فتوت را میراثی

برای خاندان امام علی ع می‌داند و تعبیر جالبی نیز از حدیث معروف «شهر علم» دارد که رنگ عرفانی و همچنین شیعی در آن قابل ملاحظه است. او می‌نویسد: در نقل چنین گفته‌اند که روزی در خانه امیرالمؤمنین علی افطار نکرده بودند؛ به روایت دیگر هفت روز، از عالم غیب سه قرص جوین حق تعالی بفرستاد. امیرالمؤمنین علی یکی به حسن داده و یکی به حسین و یکی را به دو پاره کرد نیم به فاطمه زهرا داد - رضی الله عنہما - و نیمی خواست که بخورد، در حال درویشی بر در آمده امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنه - نصیب خود را به درویش داد. فاطمه نیز موافقت کرد. حسن و حسین هم موافقت کردند که از اولاد خاندان بودند و فتوت به آن خانه میراث ماند. طریقت و فتوت از خاندان نبوت به علی مانده؛ زیرا که سید - علیه السلام - شهرستان طریقت و شریعت و فتوت و کرامت و سخاوت و مروت بود و امیرالمؤمنین علی در شهرستان علم بود، و از آنجاست که خواجه - علیه السلام - در حق او فرمود: «انا مدینة العلم و على بابها». هر که در شهرستان علم و عمل قدم نهاد، گذر بر امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنه - کرد؛ اول مقام خدمت علی یافت، آنگه در شهرستان قدم نهاد (همان، ص ۱۰۰-۱۰۱).

همچنین سهوردی این رساله را با صلواتی به پایان می‌برد که در ادبیات آن دوره کمتر سابقه دارد؛ زیرا صلووات بر پیامبر در نزد اهل سنت یا منحصر به شخص ایشان است و یا در کنار صلووات بر پیامبر، به خاندان و صحابة او در کنار هم درود فرستاده می‌شود؛ اما در این صلووات اشاره‌ای به صحابه نشده است: «و صلی الله على محمد و آلله اجمعین الطيبين و الطاهرين» (همان، ص ۲۰۱).

از سهوردی رساله دیگری نیز در فتوت در دست است که تفصیل بیشتری دارد و نسبت به آداب و رسوم اهل فتوت کاربردی و علمگرایانه‌تر است. سهوردی در این رساله نیز جایگاه ویژه‌ای برای امام علی ع قائل است؛ اما جالب اینکه بیشتر بر خصلت عفو و بخشایش و گذشت امام در برخورد با گناه و لغزش حتی در مقام قضاوت تأکید می‌کند و حکایات متعددی در اینباره می‌آورد که در فتوت نامه‌ها

امری بی سابقه و شاید در ادبیات دینی کم سابقه باشد؛ زیرا در آنها امام سعی می کند از خطأ و گناهانی مانند خون و قصاص و دیگر اتهامات گذشت کرده، طرفین و اولیای دم را به گذشت رهنمون کند (سهروردی، ۱۳۷۰، «ب»، صص ۱۰۶-۱۰۹ و ۱۱۵-۱۱۳).

وی در این باره طرح جالبی از حکایتی نقل می کند که در دیگر فتوت نامه ها، از جمله فتوت نامه های عبدالرزاق کاشانی و زرکوب با تفاوت هایی بیان شده است. وی حکایت می کند: شخصی بر پیامبر وارد شد و ادعا کرد بیگانه ای را در خانه با زن خویش دیده است. پیامبر در میان صحابه علی را فرستاد؛ چون: «علی به علم از همه عالم تر بود و به فتوت از همه مشهور تر که پیغامبر فرموده است: "لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفار" که جزوی از فتوت ستاری است. لاجرم او را فرستاده تا او ببرود و باز آید و گواهی به علم بدهد که هم گواهی او راست باشد و هم گواهی آن کس [که بر پیامبر وارد شد] دروغ باشد و مقصود آن بود تا زنا پوشیده بماند؛ زیرا که [خدا] ستار العیوب و غفار الذنوب است. پس امیر المؤمنین علی - کرم الله وجهه - برفت و بر در آن خانه، در بگشاد و اندرون رفت و دیده بر هم نهاد و گرد خانه برآمد و همچنان چشم بر هم نهاده، از خانه به در آمد و به خدمت رسول آمد، گفت: «والله ما رایتُ فی ذلک الْبَيْتِ احَدًا». گفت: به خدا که من هیچ کس در آن خانه ندیدم. راست گفت. دیده بر هم نهاده بود. لاجرم کس را ندید و بدین سبب است که پیغامبر فرمود: "انا مدینه العلم على بابها" (همان، ص ۱۰۸-۱۰۹).

در فتوت نامه های دیگر این قصه با تفاوت هایی آمده است؛ اما خواهیم دید که این داستان در فتوت نامه عبدالرزاق کاشانی سرمنشأ آیین تشریف فتوت، یعنی شرب آب و نمک برای اولین بار به امام علی^{علیه السلام} منسوب شده است (همان، ص ۱۱۲). در ادامه، سهروردی ضمن اشاره به سلسله فتوت که در فتوت نامه قبلی به تفصیل بیشتری آورده بود، می نویسد: وقتی نبوت و فتوت به دوره پیامبر رسید، شریعت دین آشکار و آب چهار جوی شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت در جهان روانه گشت؛ اما در زمان امام علی این چهار راه رونق گرفت و بر سر آن علمی برافراشته شد.

علیؑ در فتوت‌نامه ناصری

در فتوت‌نامه منظوم «ناصری» که آن را ناصرالدین خسرو مشهور به «مولانا ناصری» به سال ۶۸۹ تصنیف کرده است نیز برجستگی امام علیؑ در فتوت قابل ملاحظه است. وی نیز مانند بیشتر منابع پیشین، فتوت‌نامه خود را با حدیث «لافتی الا علیؑ» پیامبر آغاز می‌کند و علت این امر را صفات عالی جوانمردی نزد امام علیؑ مانند شجاعت، سخاوت و بخشایندگی می‌داند (ناصری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

وی با اشاره به مراسم آب و نمک و شرب در فتوت، آب و نمک را مهریه آدم به حوا و آب شیرین را مهریه علی به فاطمه دانسته، و شرب هر دو شربت را در فتوت جایز می‌داند (همان، ص ۱۷۴). این نکته از آن جهت نیز قابل توجه است که گروههای فتوت در دورهٔ صفوی به جای شرب آب و نمک به شرب شربت گلاب در آین فتوت اشاره کرده‌اند (چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۳۸۱، ص ۲۹۳).

وی نیز شلوار فتوت را ودیعه‌ای می‌داند که از آدم به ابراهیم و از وی به آل‌هاشم و حضرت محمد رسید و حضرت مصطفی آن را به علی شیر خدا داد و از امام علیؑ نیز شلوار فتوت به سلمان فارسی رسید.

ناصر ضمن تقسیم فتوت به دو نوع سیفی و قولی، تصوف قولی را از آن کسانی می‌داند که با شنیدن دعوت پیامبر بدون اجبار و یا ترس، اسلام را پذیرفتند؛ مانند ابوبکر و علیؑ. اما کسانی در فتوت سیفی هستند که در کنار امام علیؑ در راه اسلام شمشیر به دست گرفتند و جنگیدند (ناصری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳). بدین ترتیب می‌بینیم دو گونه فتوت سیفی و قولی که در فتوت‌نامه زرکوب نیز آمده است، با امام علی مرتبط است؛ امری که در دوره‌های بعدی رنگ بارزتری به خود می‌گیرد.

علی^{علی} در فتوت نامه قریب

۱. نکاتی درباره فتوت نامه قریب

از فتوت نامه های مهمی که می توان آن را یکی از مآخذ اصلی فتوت نامه های دوره صفوی و حتی فتوت نامه هایی چون فتوت نامه نجم الدین زرکوب (وفات ۷۱۲) به حساب آورد، فتوت نامه ای است از نویسنده ای ناشناس و از این رو به نام مالک نسخه، عبدالعظیم خان قریب شهرت یافته است.

پیش از پرداختن به ویژگی های این رساله، ذکر چند نکته درباره این فتوت نامه مفید به نظر می رسد. آقای مهران افشاری مصحح این رساله بر آن است زمان تألیف رساله قبل از سده نهم و احتمالاً سده هشتم است و علت اصلی این احتمال را ذکر رباعی ای از شیخ اوحدی مراغه ای از شاعران قرن هشتم در این فتوت نامه می داند. او می نویسد: «نام نویسنده این فتوت نامه بر ما معلوم نیست؛ اما ویژگی های زبانی آن دلالت بر این دارد که فراتر از قرن نهم نوشته نشده است و فاقد خصوصیات نثر عهد صفوی است. نویسنده فتوت نامه در یک جا از «اوحدی» یاد کرده است و از این رو پیشتر از قرن هشتم نیز نوشته نشده است» (چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۳۷۹، ص ۴۹). اما در ادامه از کهنگی متن آن که یادآور برخی ویژگی های سبک کهن خراسانی است، ابراز تعجب کرده، بیان می دارد: «شاید نویسنده متون کهن را در اختیار داشته و عین عبارات و جملات آنها را در فتوت نامه خود نقل کرده است» (همان، ص ۵۱).

با این اوصاف، در ذیل رباعی داخل متن که به شیخ اوحدی منسوب شده است، می نویسد: «رباعی مذکور در ذیل اشعار اوحدی مراغه ای تصحیح سعید نقیسی ذکر نشده است. دیوان رباعیات شیخ اوحدالدین کرمانی را هم جستجو کردیم و آن را در آنجا نیز نیافنیم» (همان، ص ۹۲). بنابراین تا صحت انتساب این رباعی به اوحدی معلوم نشده است، ذکر این رباعی نمی تواند بر تألیف فتوت نامه در سده هشتم دلالت کند، و ممکن است از سده هفتم باشد.

به جز کهنگی متن که مورد توجه مصحح نیز قرار گرفته و شواهدی از آن را در دیباچه آورده است (همان، ص ۵۲-۵۳)، باید نکات دیگری را نیز در این باره مدنظر داشت. نکته اول اینکه: به جز رباعی منسوب به اوحدی اشعاری از مولانا، سعدی و اوحدالدین کرمانی نیز در متن آمده است که جملگی آنها در سده هفتم حیات داشته‌اند؛ در حالی که شعری از شاعران دوره بعد در آن مشاهده نمی‌کنیم.

نکته دوم اینکه: گرچه بحث‌های مشترکی در این فتوت‌نامه و فتوت‌نامه نجم‌الدین زركوب وجود دارد، اما با توجه به دقیق نظر نویسنده فتوت‌نامه قریب و تبحّر و توانایی وی در طرح مباحث تاریخی و مباحثی مانند فتوت سه‌گانه شربی، سیفی و قولی و همچنین اصالت و ابداع در طرح موضوعات مربوط به ریشه‌های فتوت، به نظر نمی‌رسد متأثر از نجم‌الدین زركوب بوده، بلکه بر عکس مطالب نجم‌الدین زركوب به نوعی در بردارنده خلاصه محتويات این فتوت‌نامه است. این نکاتی است که می‌تواند در تعیین تاریخ تأییف فتوت‌نامه قریب مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین تصور می‌شود این فتوت‌نامه پیش از فتوت‌نامه نجم‌الدین زركوب و در اواخر سده هفتم نوشته شده است.

این فتوت‌نامه در بیان عناصر فتوت و سابقه و نسبت آن با پیامبران و امام علی^{علیه السلام}، دارای سبک و سیاق اصیل و ابداعی است؛ چنان که بیشتر عناصر فتوت مانند سراویل پوشاندن و شدّ بستن را طی رخدادهای تاریخی بیان می‌کند. گرچه برخی مواقع بیان وی خالی از بیان اسطوره‌ای نیست، اما بستر آن حوادث تاریخی دوره پیامبر است؛ در واقع نوع ورود نویسنده به مباحث که پایه اصلی حکایات آن در قالبی تاریخی و روایی بیان می‌شود، در شیوه فتوت‌نامه‌نویسی بی‌نظیر است و هیچ شباهتی به فتوت‌نامه‌های دیگر ندارد.

نکته دیگری که درباره این فتوت‌نامه گفتنی است، تأثیر قابل ملاحظه این فتوت‌نامه بر فتوت‌نامه‌های دوره بعدی است. با توجه به توضیحاتی که ارائه شده،

بیشترین تأثیر را بر فتوت نامه نجم الدین زركوب گذاشته است؛ چنان که زركوب در بحث فتوت سیفی، قولی و شربی بر پایه عناصر روایی و تاریخی فتوت نامه قریب به استكمال این بحث پرداخته و آن را به فتیان دوره حیات خود نیز منتبه کرده، برای هر کدام بهویژه در باب نوع سراویل و شد، تفصیلاتی افزوده است (زرکوب، ۱۳۷۰، ص ۱۸۷-۱۹۲).

همچنین در جای جای فتوت نامه های دوره صفوی، مطالب و حکایاتی به چشم می خورد که جز در فتوت نامه قریب نیامده است و این نشان می دهد این فتوت نامه یکی از مآخذ اصلی و مهم فتوت نامه های دوره تیموری و صفوی و حتی قاجاری بوده است.

نکته دیگر پای بندی شدید نویسنده به مبانی اعتقادی اهل سنت است و با وجود اینکه محور این فتوت نامه حکایات مربوط به امام علی^ع است، به هیچ وجه از چارچوب اعتقادی اهل سنت و جماعت خارج نشده، در ستایش امام علی^ع به مرزهای فتوت نامه هایی مانند فتوت نامه زركوب و تحفه الاخوان عبدالرزاق کاشانی نزدیک نمی شود.

۲. جایگاه امام علی در فتوت نامه قریب

در این فتوت نامه ساختاری که در بسیاری از فتوت نامه ها درباره شجره فتوت آمده، کم و بیش تکرار می شود؛ اما به لحاظ وجه نظر تاریخی نویسنده به نام های متعددی از پیامبران و فرزندان آنها تا رسیدن به پدران و اجداد پیامبر اسلام بر می خوریم که در فتوت نامه ها بی سابقه است.

وی بر آن است از میان پیامبران فقط تعدادی توانستند لباس فتوت بر تن کنند که عبارتند از: آدم، شیث، نوح، ابراهیم، یوشع بن نون. سرانجام این لباس به اجداد پیامبر - قصی، عبدمناف، هاشم، عبدالملک - و سرانجام به عبدالله و محمد^{علیهم السلام} رسید

که محمد نیز آن را به علی پوشانده و علی هم به سلمان. به این ترتیب می‌بینیم که در اینجا نیز سه شخصیت محوری محمد، علی و سلمان مطرح می‌شود (همان، ص ۱۰۰).

نویسنده با طرح داستان‌ها و روایت‌های طولانی راجع به جنگ‌های پیامبر و نقش خالدبن ولید و سلمان در آنها، بر آن است: در جنگ خیر امام علی علیه السلام به خالدبن ولید و در جنگ حنین به سلمان لباس فتوت پوشانید و صفوان بن امیه و ابودردا سومین و چهارمین کمر بستگان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند (همان، ص ۶۵-۷۰).

در یکی از حکایت‌ها به واقعه کمک امام علی به فقیر و نزول آیه «يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَبَّةٍ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اسِيرًا» اشاره کرده، آن را با نذر امام علی و فاطمه برای شفای امام حسن و امام حسین از بیماری مرتبط نموده، به تفصیل به این موضوع پرداخته است (همان، ص ۶۲-۶۳).

حکایت دیگری که تنها در این فتوت‌نامه آمده، مربوط به میهمانی پیامبر و ابوبکر و عمر و عثمان در خانه امام علی و فاطمه است که در آنجا پیامبر به امام علی خلعت فتوت می‌پوشاند و می‌فرماید: «لَا فِتْنَةَ إِلَّا لَاصِيفُ الْأَذْوَافَقَارُ». حکایتی هم مربوط به مسلمان‌شدن کافری به دست علی علیه السلام به سبب جوانمردی ایشان نقل شده است که بر اساس آن، امام علی علیه السلام با شربت آب و نمک نومسلمان را به لباس فتوت درآورد و ابودردا اعتراض کرد که چرا به جای شیر از آب استفاده می‌کند و امام استفاده از آب و نمک در جایی که شیر نباشد را جایز دانستند (همان، ص ۶۳-۶۴ و ۷۶). این داستان در فتوت‌نامه زرکوب هم آمده است.

حکایت دیگر مربوط به میان‌بستان حضرت علی توسط پیامبر در واقعه حفر خندق گرد شهر مدینه است که پس از آن نیز به میان‌بستان مسلمانان توسط ابوبکر اشاره دارد. همچنین طی حکایتی از جوانمردی امام حسن نیز یاد می‌کند که قاتل خود را از

روی جوانمردی معرفی نمی کند که این حکایت در فتوت نامه شمس الدین آملی در عرایس الفنون نیز آمده است. در این حکایت آمده است:

چون امیرالمؤمنین حسن را - رضی الله عنه - زهر دادند و جگر وی پاره پاره می افتاد و برادرش حسین - رضی الله عنه - به بالین وی نشسته بود، گفت: ای جان برادر! ما را بگوی که این کار را به تو که کرد است؟ تا سر وی از تن جدا کنم که به خاندن رسول الله چنین خیانت روا داشت. گفت: یا حسین من دعوی فتوت می کنم، اگر بگوییم، غمازی کرده باشم و آنگه از درجه فتوت بیفتم در وقت مرگ و فردای قیامت در روی پدر وجود چون نگاه کنم؟ آنگه جان سپرد (همان، ص ۸۶-۸۷).

در بحث مربوط به فتوت سیفی، قولی و شربی نیز حکایات و اقوالی از امام علی و همچنین تفصیل بی سابقه داستان رویارویی پیامبر با ابوجهل در کودکی و کشتنی با آن در نوجوانی و همچنین تفکیک سنت شرب خمر در فتوت ابوجهل از سنت شرب آب با نمک یا شیر با نمک در فتوت پیامبر را نقل می کند (همان، ص ۷۲-۷۵) که خلاصه ای از آن در فتوت نامه زرکوب نیز آمده است.

در این فتوت نامه، حدیثی نیز از ابوحنیفه نقل شده است و اشاراتی به خلفای سه گانه که در مورد آنها نیز تکریم صورت گرفته است. همچنین برای امام علی نیز لقب یا درود مخصوص شیعیان نیامده است؛ حتی در یکی از فقرات این فتوت نامه که در آن اهل بدعت از آمدن در کسوت فتوت منع شده اند، نویسنده منظور خود از اهل بدعت را مخالفان سنت و جماعت ذکر کرده است: «ششم مبدع بود و اعتقاد او کاعتقاد اهل سنت و جماعت نباشد، فتوت وی درست نبود» (همان، ص ۸۹).

از این عبارت معلوم می شود همه گروههای جوانمرد، الزاماً گرایش های شیعی نداشته، بلکه در میان سینیان متعصب نیز گروههای فتوت وجود داشته اند. دیگر اینکه این گروهها نیز امام علی را به عنوان پیشوای فتوت پذیرفته و جایگاه ویژه ای برای وی قائل بوده اند.

امام علی^{علیہ السلام} در فتوت‌نامهٔ زرکوب

از جمله فتوت‌نامه‌هایی که باید آن را نقطهٔ تحوّلی به جانب افسانه‌پردازی و اسطوره‌سازی اهل فتوت دانست، فتوت‌نامهٔ نجم‌الدین زرکوب تبریزی است. نجم‌الدین آنچنان که در فتوت‌نامه بیان می‌کند، از پیروان مکتب عرفانی شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی است. بنابر تاریخ سنگ قبر نجم‌الدین، وی در سال ۷۱۲ وفات یافته است (کربن، ۱۳۶۳، ص ۵۹): پس می‌توان گفت تأثیف فتوت‌نامه وی با فتوت‌نامه منظوم ناصری تألیف ۶۸۹ تقریباً همزمان بوده است و در مواردی مانند توصیف فتوت قولی و سیفی با آن شباهت‌هایی دارد، اما استبعادی ندارد که این فتوت‌نامه را به نوعی متحول‌تر از فتوت‌نامهٔ ناصری به حساب آورده‌یم؛ از جمله اینکه وی در کنار اشاره به فتوت قولی و سیفی که در فتوت‌نامهٔ ناصری آمده، به فوت شریٰ اشاره کرده، هر کدام را به تفصیل توضیح داده است.

وی در کتاب خویش خطابی منسوب به پیامبر می‌آورد که در پاسخ سؤالی از امام علی^{علیه السلام} فرمود: «انت الفتى الاول من امتى». سپس در ادامهٔ این بحث به فتوت ابوبکر در غار و همچنین بخشش و سخاوت تمام اموالش به پیامبر اشاره دارد و امام علی را نیز به سبب بخشش دارایی‌اش به فقیر شایستهٔ مقام سخاوت دانسته، معتقد است: آیهٔ «والذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سرًا و علانيةً» در حق امام علی نازل شده است؛ همچنان که «امير المؤمنين علی -كرم الله وجهه - با عيال سه شبانه روز بود که افطار نکرده بودند، پنج قرص نان از جو پختند، يکی امير المؤمنین را و يکی حسن را و يکی حسین را و يکی فاطمه را و يکی خدمتکار را - رضوان الله عليهم اجمعين - حالی درویش بر در آمده، امير المؤمنین آن خود بدان درویش داد. فاطمه نیز نصیب خود بداد، حسن و حسین نیز بدادند، خادمه نیز بداد» (زرکوب، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰).

زرکوب نیز همانند ناصر پیشگامان فتوت قولی را ابوبکر و امام علی^ع می‌داند بر این اساس که «از پیران ابوبکر صدیق، از جوانان امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنهم - و از زنان خدیجه و از بندگان بلال حبshi».»

«همچنین فتوت سیفی ایشانند که شمشیر ایشان را در اسلام آورده باشد و مسلمان گشته و لذت اسلام یافته و خدمت امیرالمؤمنین - کرم الله وجهه - بهرفاقت اختیار کرده و ایشان اهل غزا باشند، در صورت با کافر غزا کنند و در معنی با نفس خویش... و طریقه این، چنان است که: حالی که تربیه، نام صاحب اختیار کرد، به قول یا به نام او، شربت نمک آب خورد، شمشیر بدو دهند؛ چنان که پیغمبر - صلی الله علیه و سلم - که ذوالفقار به دست امیرالمؤمنین علی داد - کرم الله وجهه» (همان، ص ۱۸۹).

زرکوب اهل فتوت شربی را کسانی می‌داند که برخیزند و به نام صاحب شربت نمک بخورند. سپس اشاره می‌کند: پیامبر به یاران جوانمرد شیر می‌داد و امام علی آب نمک و وقتی به ایشان گفتند که چرا بدعت می‌نهی، فرمود: «تفاوت نکند، بدعتی حسن است؛ همه جای شیر حاصل نشود و مردم محروم مانند» (همان، ص ۱۹۱). در چند جای دیگر از فتوت نامه به پیروی فتیان از پیامبر و امام علی و نسبت «قدح» و «شدّ» به ایشان نیز اشاره کرده، حدیثی از امام حسن^ع با لقب امیرالمؤمنین حسن بن امیرالمؤمنین علی می‌آورد و به جوانمردی امام علی با ابن ملجم پیش از شهادت اشاره کرده که فرمود: «ما بعد از گناه عفو کنیم نه پیش از گناه عقوبت» (همان، ص ۲۲۱).

اما از همه جالب‌تر، حدیثی است که از قول پیامبر درباره سراويل نقل می‌کند که می‌تواند نقطه اوج برساختن حدیث در فتوت نامه‌ها و نشان‌دهنده ورود نوع خاصی از فتوت نامه‌نویسی باشد که رفته‌رفته از جهت گیری‌های تاریخی خارج و به جانب افسانه‌سازی در حرکت است؛ امری که به هیچ وجه در فتوت نامه‌های آغازین و حتی

فتوات نامه ابن معمار سابقه ندارد. وی می‌نویسد: «اول کسی که زیر جامه پوشید، ابراهیم خلیل بود - علیه السلام - و اول کسی که مهمانی کرد هم او بود. قال النبی - صلی الله علیه و سلم - «اول من اضاف الضیف ابراهیم و اول من لبس السراویل ابراهیم» و گفته‌اند: «لافتی الاّ بسراویل»، یعنی نیست جوانمردی الا به شلوار.

به نظر می‌رسد خود زرکوب هم به بی‌اعتباری این عبارت واقف بوده است؛ زیرا مجبور می‌شود در توجیه عبارت آخر یعنی «نیست جوانمردی الا به شلوار» دست به تأویل زده، اضافه کند: «معنی اش آن باشد که امانت شلوار نگه دارند تا به حرام نگشایند» (همان، ص ۱۹۶).

به هر حال، آوردن چنین مطلبی در واقع شاهد مثالی است بر تغییر جهت فتوت نامه‌ها در این دوران که نقطه شروعی برای دهها فتوت نامه‌ای است که در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری در ایران و عثمانی نوشته شد که به کلی با میراث گذشته‌اش هم از نظر ادبی و هم از نظر آیینی متفاوت بود.

فتوات نامه‌های آملی و همدانی

پیش از پرداختن به تحفة الاخوان به دو فتوت نامه دیگر اشاره می‌شود که به لحاظ زمانی بعد از فتوت نامه عبدالرزاق قرار دارد. یکی از آنها در واقع «فصل پنجم از علوم متصوفه (علم فتوت)» کتاب نفایس الفنون فی عرایس العیون از شمس الدین محمد بن محمود آملی (م. ۷۵۳) است که به لحاظ تألیفی چندان اصالتی ندارد و بخش عمده و اساسی آن بازنویسی از فتوت نامه ابن معمار و عبدالرزاق کاشانی است. در این فتوت نامه نیز همانند تحفة الاخوان به قطبیت امام علی و خاتمیت مهدی اشاره شده، از حکایات آن کتاب نیز مطالبی به عینه نقل شده است (آملی، ۱۳۸۱، جزء دوم، ص ۱۱۳ به بعد). ضمن آنکه در این فتوت نامه ۲۵ اصطلاح از اصلاحات فتوت آمده است و از جهت در برداشتن این اصطلاحات، اهمیت دارد (همان، ص ۱۲۲ به بعد).

فتوت نامه دیگر تألیف میر سید علی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ق) از مشایخ کبرویه است. این فتوت نامه اصیل و در بردارنده نکات ظریف و عمیقی است، اما در آن کمتر به اسطوره و آیین های فتوت توجه شده است. در این فتوت نامه گرچه گرایش های شیعی به چشم نمی خورد و اهل بیت و صحابه پیامبر در کنار هم تکریم شده اند (همدانی، ۱۳۸۲، صص ۱۵۵ و ۱۹۸)، تصریح شده است که پیامبر طریقت و فتوت را به امام علی مخصوص گردانید؛ از این رو سلسله طریقت و فتوت را باید از طریق ایشان به پیامبر رساند (همان، ص ۱۵۶)؛ زیرا امام منبع چشمۀ فتوت و معدن جود و مررت است (همان، ص ۱۶۵)؛ بر این اساس شخص همدانی نیز نسبت فتوت خود را از طریق مشایخ صوفیه و با واسطه کمیل بن زیاد به امام علی می رساند (همان، ص ۱۹۰-۱۹۶).

گرایش های شیعی در تحفه الاخوان و فتوت نامه کاشانی

عبدالرزاقد کاشانی (م. ۷۳۶) تقریباً یک قرن بعد از ابن معمار و سهروردی دو فتوت نامه تألیف کرد. یکی از آنها به عربی با عنوان *تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان* و فتوت نامه دیگری به فارسی که در واقع ترجمه و صورت ایرانی *تحفه الاخوان* است. درباره شخصیت عبدالرزاقد باید گفت: وی بزرگ ترین مروّج مکتب عرفان نظری ابن عربی در ایران و از طرفی به لحاظ عملی وابسته به طریقۀ سهروردی است. با این اوصاف، گرایش های شدید شیعی او برخی از محققان را بر آن داشته تا او را شیعۀ امامی بدانند. گرچه این امر با اسناد خرقه ای ناسازگار است (زرین کوب، ۱۳۶۹، ص ۱۳۲)، ولی جهت گیری های او گاهی از حد تشیع محبّانه فراتر و به تشیع اعتقادی نزدیک می شود؛ از جمله آنچه درباره امام دوازدهم شیعیان، حضرت مهدی (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) در فتوت نامه بیان داشته است.

البته نباید از نظر دور داشت که قرن هشتم که عبدالرزاقد و نجم الدین زرکوب در آن دست به تألیف فتوت نامه زده اند، به طور کلی دوره ای است که ما در تصوف

شاهد گرایش‌های بی‌سابقهٔ شیعی هستیم که هم در آثار صوفیه و هم در گرایش‌ها و فرقه‌های تصوّف به چشم می‌خورد. این تحول زمینهٔ سیاسی و فرهنگی اتفاقاتی است که در عصر صفوی به وقوع پیوست. نتیجهٔ فرهنگی آن به طور عمده شامل ظهور عرفای متآلہ دورهٔ صفوی مانند میرداماد، ملاصدرا، فیض کاشانی و فیاض لاهیجی و تغییر گرایش اعتقادی برخی از سلسله‌های تصوف مانند نعمت‌الهیه، ذهبیه از مذهب سنت و به مکتب تشیع است و نتیجهٔ سیاسی آن پایه‌گذاری حکومت صوفیان صفوی با گرایش تشیع غالی است.

فتوت‌نامهٔ عبدالرزاق که در جای جای آن احادیث و اشارات و حکایاتی مربوط به امام علی علیه السلام آمده است، از چند جهت نقطهٔ عطف فتوت‌نامه‌هاست. اول اینکه: منسجم‌ترین فتوت‌نامهٔ صوفیانه است که در این دوره نوشته شد و این امر مربوط به توانایی علمی عبدالرزاق است که از سرآمدان تصوف علمی سدهٔ هشتم است. دوم اینکه: وی سعی دارد با ظرافت گرایش‌های شیعی فتوت‌نامه‌های قبلی را به مباحث اعتقادی شیعه بکشاند، و از همه مهم‌تر اینکه عبدالرزاق برای اولین بار به طور جسارت‌آمیزی داستان چشم‌بستان امام علی علیه السلام در بازدید از خانهٔ متهمان که در فتوت‌نامه سه‌پروردی آمده است را با آیین شرب آب و نمک جوانمردان در فتوت‌نامه ابن معamar تلفیق کرده، این مراسم را به سنت پیامبر و امام علی مربوط ساخته است. این در حالی است که این مراسم در فتوت‌نامهٔ ابن معamar هیچ ارتباطی با امام علی ندارد (ابن معamar، ۱۹۵۷م، ص ۲۱۴). از طرفی همان‌طور که پیشتر ملاحظه شد، سه‌پروردی نیز که برای اولین بار این داستان را در فتوت‌نامه آورده، اشاره‌ای به مراسم شرب آب و نمک نمی‌کند.

در واقع ابن معamar در کتاب *الفتوة خویش*، هیچ یک از آیین‌های جوانمردان که در سنت‌های جوانمردان و عیاران دورهٔ خود معمول بوده است را با روایات برگرفته از پیامبر علیه السلام و علی علیه السلام نیامیخته و هر کدام از این مباحث را جداگانه طرح کرده، در این

کار امانداری نموده است. حکایاتی نیز که وی از پیامبر و امام علی^ع در کتاب خود آورده است، به نوعی یادآوری و آموزش به اهل فتوت است که باید امام علی^ع و پیامبران را الگو و سرمشق خود قرار دهند و از این رو داستان سرایی های معمول در فتوت نامه های بعدی به ویژه آنگونه که در فتوت نامه های نجم الدین زركوب و عبدالرزاق آمده است، در کتاب الفتوة ابن معمار جایی ندارد.

بنابراین منشأ باورهای شیعی که در دوره های بعدی، بعد آیین پیچیده ای به خود گرفته را باید در فتوت نامه عبدالرزاق کاشانی جستجو کرد. طرح این عقاید توسط عبدالرزاق در قرن نهم در فتوت نامه سلطانی به اوج می رسد و در برخی فتوت نامه های دوره صفوی از حد و حدود متعارف فراتر گذاشته، شکل مبالغه آمیز و عوامانه ای به خود می گیرد.

حکایت شرب آب و نمک عبدالرزاق در ضمن از عنصر شیعی دیگر نیز خالی نیست و آن حضور سلمان فارسی در این واقعه است که صبغه شیعی و ایرانی حکایت را کامل می کند؛ خط سیری که البته از دوره ابن معمار در سلسله فتوت مشاهده می شد. عبدالرزاق حکایت معروف مربوط به امام علی^ع را اینگونه با آیین شرب اهل فتوت تلفیق می کند:

در خبر است که پیغمبر - علیه الصلوٰة و السلام - روزی با جمعی نشسته بود، شخصی درآمد و گفت یا رسول الله در فلان خانه مردی و زنی به فساد مشغولند. فرمودند ایشان را طلب باید داشت و تفحص کردن. چند کسی از صحابه در احضار ایشان دستوری خواستند، هیچ یک را اجازت نداد. امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - درآمده، فرمود یا علی تو برو ببین تا این حال راست است یا نه؟ امیرالمؤمنین علی بیامد، چون به در خانه رسید، چشم بر هم نهاد و در اندرون رفت و دست بر دیوار می کشید تا گرد خانه برگردید و بیرون آمد. چون پیش پیغمبر رسید، گفت یا رسول الله گرد آن خانه برآمدم، هیچ کس را در آنجا ندیدم. پیغمبر - علیه الصلوٰة و السلام - به نور نبوت بیافت. فرمود که یا علی

«انت فتی هذه الامه»: تو جوانمرد این امتي. بعد از آن قدحی آب و قدری نمک خواست، سلمان فارسی آن را حاضر کرد. رسول - عليه الصلاوة والسلام - کفی نمک برداشت و گفت: «هذه الطريقه» و در وی افکند و کفی دیگر برداشت و گفت: «هذه الحقيقة» و درو انداخت و به علی داد تا قدری باز خورد و گفت: «انت رفیقی و أنا رفیق جبرئیل و جبرئیل رفیق الله تعالى»، و بعد از آن سلمان را فرمود تا رفیق علی شد و قدح از دست او باز خورد و خذیفه را فرمود تا رفیق سلمان شد و قدح از دست سلمان باز خورد. بعد از آن زیرجامه خود بر علی پوشاند و میان او در بست و فرمود که «اکملک یا علی»؛ یعنی تو را تکمیل می‌کنم، و مأخذ و اصل این طریقت این حدیث است (کاشانی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۰-۲۳۱).

به جز مواردی که یادآوری شد، نکته دیگر این حکایت نفی دیگر صحابه است که قصد داشتند از این خانه دیدن کنند؛ اما پیامبر کسی را جز امام علی واجد شرایط نمی‌دانستند. نکته دیگر در این باره اینکه باوجود همه فتوت‌نامه‌های پیشین که در آن به نوعی از برخی خلفاً باد شده بود و یا در کنار سلام بر پیامبر و آلسن بر صحابه نیز درود نثار شده بود، در فتوت‌نامه عبدالرزاق نامی از خلفای سه‌گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) نیامده است (قس با: گولپیتاری، ۱۳۷۹، ص ۲۸). همچنین در کنار سلام بر پیامبر بدون اشاره به صحابه فقط به آل پیامبر درود نثار شده است. این خود نشان از گرایش نسبتاً تند شیعی است که در شیوه فتوت‌نامه‌نویسی آن دوران معمول نبوده است. به جز اینکه یک جا در درآمد متن فارسی بر پیامبر و اصحاب او خصوصاً سرور فتیان کریم هر دو جهان، اسدالله غالب علی بن ابی طالب - عليه السلام - درود فرستاده که دلیل آن ذکر خواهد شد.

پیش از پرداختن به نکته مهم و جالبی درباره فتوت ابراهیم و امام علی که در بردارنده امر بدیعی در فتوت‌نامه‌هاست و نشان از گرایش عرفانی و شیعی عبدالرزاق و یادآور مفهوم ولایت و مظہریت مطلقه و مقیده آن در مکتب ابن عربی است، به جایگاه ائمه شیعه در این فتوت‌نامه اشاره می‌کنیم.

اکنون به مقایسه فتوت امام علی^ع و ابراهیم^ع می پردازیم که در آن گرایش های اعتقادی کاشانی به جانب تشیع اعتقادی معلوم می شود. در عین حال متن تحفه الاخوان را با فتوت نامه فارسی کاشانی مقایسه نموده، سانسور ناشیانه آن را نشان می دهیم.

عبدالرزاق در تحفه الاخوان ابتدا از جوانمردی اصحاب کهف یاد کرده، سپس از حضرت ابراهیم به عنوان منبع، مظہر فتوت باطنی و ظاهری مؤسس قواعد فتوت یاد می کند و از جمله دلایل این امر را تجرد ابراهیم از دنیا، پدر و قومش، هجرت و صبر بر ذبح اسماعیل و شجاعت وی در شکستن بتها می داند (همان، ص ۵۰).

اما در مقابل، قطب فتوت را علی بن ابی طالب می داند و دلایل آن را زهد و ورع و شجاعت امام و بخشیدن طعام در سه روز متوالی به مسکین و یتیم و اسیر و به ویژه بذل جان هنگام خواب در خوابگاه پیامبر موقع خروج ایشان از مکه و محاربه با دشمنان می داند. برای همین درباره امام علی جبرئیل ندا داد: «لافتی الا علی» (همان، ص ۵۱).

وی در مقایسه جالبی نسبت فتوت ابراهیم^ع به امام علی را نسبت ذبح فرزند و ذبح نفس می داند که البته دومی مقام بالاتری است و سپس از نقطه، قطب و خاتم نبوت سخن می گوید که به ترتیب از آن آدم^ع، ابراهیم^ع، و حضرت پیامبر^{صلوات الله علیه و آله و سلم} است. بر این اساس، برای فتوت هم نسبتی این چنین مطرح می کند که در آن گرایش شیعی و عرفانی وی آشکار می شود. وی ضمن برتر نهادن ولی بر نبی و به تبع آن امام علی^ع بر ابراهیم، مهدی صاحب زمان (علیه السلام فرجه الشریف) را خاتم فتوت معرفی می کند. وی نقطه فتوت را ابراهیم، قطب فتوت را امام علی و خاتم فتوت را مهدی (علیه السلام فرجه الشریف) می داند که امری بی سابقه و بسیار متأثر از اعتقادت شیعه در امر ولایت است. عبارت کاشانی را در این باره نقل و آن را با فتوت نامه فارسی وی مقایسه می کنیم:

فنسیة فتوة ابراهیم علیه السلام الی فتوة علی علیه السلام نسبه ذبح الولد الی فدی النفس و يختمنها خاتم الولایه اعنی المهدی فی آخر الزمان - صلوات الله علیه - كما انَّ اول نقطه النبوة هو آدم صفی الله - علیه السلام - و قطبها ابراهیم خلیل الله - علیه السلام. المأمور باتباعه فيها و خاتمنها محمد حبیب الله - صلی الله علیه و آله. فنسیة فتوة امیر المؤمنین - علیه السلام - الی فتوة ابراهیم - صلوات الله علیه - كنسبة نبوة الی نبوة آدم - صلوات الرحمن علیه» (همان، ص ۵۱).

سانسور عبارات تحفة الاخوان در ترجمهٔ فارسی و حذف عقاید شیعی در ترجمهٔ

چنان که از متن پیداست، به صراحت از خاتمیت فتوه و ولایت مهدی بحث شده است؛ اما در متن فارسی، بخشی از عبارت حذف شده است؛ یعنی آن بخش شیعیانه مطلب که به برتری مقام فتوت امام علیؑ بر حضرت ابراهیم تصریح کرده، از حضرت مهدی (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف)، با عنوان خاتم ولایت و خاتم نبوت یاد نموده است. در واقع ترجمه عبارت «فنسیة فتوة ابراهیم - علیه السلام - الی فتوة علی - علیه السلام - نسبة ذبح الولد الی فدی النفس و يختمنها خاتم الولایه» حذف شده، تنها عبارت «در آخر زمان اعنی مهدی علیه السلام» به عبارت جملات پیشین اضافه شده است که کاملاً بی معناست و نشان از حذف عجولانه آن دارد. عبارت فتوت‌نامه فارسی اینگونه است: «امام علی به صفت «لافتی الا علی» در میان خاص و عام مشهور شد؛ در آخر زمان اعنی مهدی - علیه السلام -. چنان که نقطه اول نبوت آدم است و قطب آن ابراهیم و خاتم آن محمد - علیهم الصلوٰة و السلام -» (همان، ص ۲۲۹).

در مقایسه اینگونه عبارات در متن تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان و ترجمه فارسی آن که با عنوان فتوت‌نامه فارسی از آن یاد می‌کنیم، نکتهٔ ظریفی به چشم می‌خورد و آن اینکه: عبدالرزاق در متن عربی در نشان دادن گرایش شیعی خود آزادی عمل بیشتری داشته، در حالی که در ترجمه فارسی آن دچار خودسانسوری شده است. این امر نشان می‌دهد در محیط اجتماعی ایران در دورهٔ عبدالرزاق هنوز مجال ظهور اندیشهٔ اعتقادی شیعه به طور صریح وجود نداشته است.

شاهد دیگر این مدعای آن است که عبدالرزاق به طور عمومی در تحفه الاخوان بعد از نام پیامبر، بر وی و آلس درود می فرستد، اما در ترجمه فارسی در مقابل نام حضرت پیامبر «علیه السلام» و یا «علیه الصلوٰة والسلام» می آورد. این در حالی است که تقریباً عبارات و فضول و جملات و احادیثی که در دو کتاب نقل می کند، یکی است. تنها جایی از ترجمه هم که بر پیامبر و آلس درود می فرستد، در مقدمه فتوت نامه فارسی است، اما در آنجا نیز خلاف رسم شیعه بر صحابه هم درود نثار شده است؛ این در حالی است که در متن تحفه الاخوان درود بر صحابه نیامده است (کاشانی، ۱۳۶۹، صص ۴۶ و ۲۲۲).

مورد دیگر در مقایسه باب توبه تحفه الاخوان با همان باب در فتوت نامه فارسی قابل مشاهده است. به این ترتیب که همه عبارات و احادیث باب توبه ترجمه فارسی همانند متن تحفه الاخوان است، اما روایتی که از امام سجاد^ع درباره توبه آمده و عبارتی کوتاه است، حذف شده است. این در حالی است که در متن تحفه الاخوان القابی که برای امام سجاد آمده است، صبغه شیعی قابل ملاحظه ای به خود گرفته تا منویات نویسنده در آن آشکار شود؛ در واقع عبدالرزاق با آوردن عبارت «الامام المعصوم» برای امام سجاد بر عصمت امام به عنوان اعتقادی شیعی تأکید دارد. عبارت این است: «و قال الإمام المعصوم زين العابدين على بن الحسين عليهما السلام: "ليست التوبة بالكلام ولكن بالعمل والرجوع من الذنب"» (همان، ص ۵۶). جالب اینکه در فتوت نامه فارسی در باب سخای امام حسین و امام حسن علیهمَا السلام مطلبی نقل شده که در تحفه الاخوان نیامده است؛ اما محتوای این خبر با مبانی اعتقادی شیعه امامی سازگاری چندانی ندارد (همان، ص ۲۴۲).

مقایسه این دو فتوت نامه نشان می دهد عبدالرزاق در نوشتن تحفه الاخون که به عربی تألیف شده است، مجال بیشتری برای اظهار عقاید خود داشته است. گویا زبان عربی که زبان علمی آن دوران است، کمتر نویسنده را در معرض اتهامات عوامانه قرار می داده است؛ زیرا در برگردان فارسی که برای استفاده غیر عالمان تدوین شده

است، عباراتی که به صراحت بیانگر عقاید خاص شیعه است، حذف شده است. این امر نشان می‌دهد در اواسط دوره ایلخانی نیز هنوز عقاید شیعه در ایران عمومیت نداشته است.

اما قدر مسلم این است که عبدالرزاق در نوشتن *تحفة الاخوان* به شکل صریح عقاید شیعی خود را بروز داده است و از این جهت باید وی را در کنار شخصیت‌هایی از این دوران، مانند سعدالدین حمویه قرار داد و طرح جدیدی از تشیع را در نزد آنان جستجو کرد؛ اما این گرایش را نمی‌توان صرفاً تشبیح محبتانه نام نهاد؛ چون عقاید اینگونه عارفان به تشیع اعتقادی امامیه بسیار نزدیک شده است.

نتیجه

با مرور کلی این مقاله در می‌باییم به اقتضای شرایط اجتماعی و دینی حوزه فرهنگی اسلام رفته‌رفته امام علی^{علیه السلام} در فتوت‌نامه‌ها نقش محوری پیدا کرده، بسیاری از سنت‌های جوانمردان که احتمالاً ریشه در فرهنگ ایرانی و اسلامی داشته است، به ایشان منسوب شده است؛ زیرا امام به جز اینکه جانشین پیامبر و پیشوای معنوی و باطنی جامعه اسلامی بوده است، در زندگی روزمره نیز ویژگی‌های یک جوانمرد را دارا بوده است. بهره‌مندی از فضایل اخلاقی و روحیه حق‌طلبی و ضعیف‌نوازی و ایشار، در کنار دلیری و پهلوانی که جوانمردان به آن مبالغات داشتند، به نحو کامل در امام تجلی داشته است؛ با این همه شاهد آنیم که در فتوت‌نامه‌های متاخر، گذشته از اسطوره‌پردازی شخصیت امام، آرام‌آرام عقاید شیعی نیز مطرح می‌شود که اوج آن را در رساله *تحفة الاخوان* می‌توان دید.

باید افزود این فتوت‌نامه در مقایسه با فتوت‌نامه‌های بعدی، مانند فتوت‌نامه سلطانی از دوره تیموری و دهها فتوت‌نامه بعد از آن، به مثابه گام آغازین برای طرح عقاید شیعی در اینگونه آثار است؛ در واقع فتوت‌نامه‌ها همنوا با جریان‌های فکری، اجتماعی و سیاسی دوران ایلخانی، تیموری و صفوی، از تفکر سنت و جماعت به جانب شیعه امامی متحول شده‌اند.

منابع

۱. آملی، شمس الدین محمد بن محمود؛ *نفائس الفنون فی عرايس العيون*: تصحیح ابراهیم میانجی؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱.
۲. ابن بطوطه؛ *سفرنامه*: ترجمه محمدعلی موحد؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۳. ابن عمار، محمد بن ابوالکارام؛ *كتاب الفتوات*: مقدمه و تحقیق مصطفی جواد؛ بغداد: مکتب المثنی، ۱۹۵۷.
۴. چهارده رساله در باب فتوت و اصناف؛ تصحیح مهران افشاری و مهدی مداینی؛ تهران: چشم، ۱۳۸۴.
۵. رسائل جوانمردان؛ تصحیح مرتضی صرّاف؛ ۲، تهران، انجمن ایران‌شناسی ایران و فرانسه و انتشارات معین، ۱۳۷۰.
۶. ریاض، محمد؛ *فتوات نامه*: تاریخ، آداب و رسوم، به انصمام رسالة فتوتیه میر سیدعلی همدانی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
۷. زرکوب، نجم الدین؛ «*فتوات نامه*»، در رسائل جوانمردان، ۱۳۷۰.
۸. زرین‌کوب، عبدالحسین؛ *جستجو در تصوف ایران*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۹. —————؛ *دبالة جستجو در تصوف ایران*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۰. سهروردی، شهاب الدین؛ «*فتوات نامه*»، رسائل جوانمردان، ۱۳۷۰، «الف».
۱۱. —————؛ «*فتوات نامه*»، رسائل جوانمردان، ۱۳۷۰، «ب».
۱۲. سلمی، ابو عبد الرحمن؛ *مجموعه آثار*؛ گردآوری نصرالله پور جوادی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۱۳. —————؛ *قلندریه در تاریخ: دگردیسی‌های یک ایدئولوژی*؛ تهران: سخن، ۱۳۸۶.
۱۴. عفیفی، ابوالعلاء؛ *ملامته، صوفیه و فتوت*: ترجمه نصرت‌الله فروهر؛ تهران: الهام، ۱۳۷۶.
۱۵. کاشانی، عبدالرزاق؛ *تحفه الاخوان فی خصایص الفتیان*: تصحیح سید محمد دامادی؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.

۱۶. کاشفی، حسین؛ **فتوات نامه سلطانی**؛ به اهتمام محمد جعفر مجحوب؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ **قلندریه در تاریخ: دگردیسی‌های یک ایدئولوژی**؛ تهران: سخن، ۱۳۸۶.
۱۸. کربن، هانری؛ **آیین جوانمردی**؛ ترجمه احسان نراقی؛ تهران: نو، ۱۳۶۳.
۱۹. کیکاووس بن اسکندر؛ **قابوس‌نامه**؛ تحقیق غلامحسین یوسفی؛ ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۲۰. گلپینارلی، عبدالباقي؛ **فتوات در کشورهای اسلامی**؛ ترجمه توفیق هسبحانی؛ تهران: روزنه، ۱۳۷۹.
۲۱. ناصری، ناصرالدین خسرو؛ «**فتوات نامه منظوم**»، در: **فتوات در کشورهای اسلامی**؛ گلپینارلی؛ تهران: روزنه، ۱۳۷۹.
۲۲. همدانی، میر سید علی؛ «رساله فتوتیه»، در: **فتوات نامه تاریخ، آداب و رسوم محمد ریاض**؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.